

## موضوع شناسی فقهی حد ترخص<sup>۱</sup>

رضا محققیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

### چکیده

«حد ترخص» عبارت از محل و محدوده‌ای است که قصر نماز مسافر در آنجا مشروعیت می‌یابد. نماز مسافر با آغاز شدن سفر با هشت شرط که هشتمین آن، عبور از «حد ترخص» است، شکسته شده، نمازهای چهار رکعتی، دو رکعتی خوانده می‌شوند و روزه نیز با شرایطی پس از عبور از حد ترخص، باطل می‌شود و افطار روزه برای مسافر بلامانع است. طبق نظر مشهور فقها، حد ترخص پس از خروج مسافر از شهر و روستا محاسبه می‌شود؛ یعنی جایی که صدای اذان شهر شنیده نمی‌شود و دیوارهای شهر نیز دیده نمی‌شود. نظر برخی از فقها اجتماع دو شرط «خفای اذان» و «خفای جدران» برای قصر نماز لازم است و مطابق دیدگاه گروهی دیگر از ایشان، اجتماع دو شرط مذکور با هم، در وجوب قصر نماز موضوعیتی ندارد. پس معیار دور شدن از شهر به مقداری است که اگر اذانی گفته شد، مسافر آن را نشنود و (در غیر از زمان‌های اذان) دیواری از شهر را مشاهده نکند. از آنجایی که در ادوار گذشته کیلومتر واحد معیار مسافت نبود، دو شرط مذکور، کاشف از دور شدن از وطن و اجرای احکام مسافر بودند. مطابق با دیدگاه اخیر، برای وجوب قصر، صرفاً صدای اذان موضوعیتی ندارد و عرفاً، اذان کنایه از هر صوت بلندی است. همچنین ممکن است مکان‌های انتهایی شهر، دیوارهایشان فرو ریخته و یا اصلاً دیواری نداشته باشند، پس عدم دیدن دیوار شهر نیز به خودی خود موضوعیت ندارد. بر اساس تحقیق میدانی و گروهی، جمعی از فضلا و محققین در مرکز موضوع شناسی احکام فقهی، مقدار حد ترخص تقریباً ۱۳۵۰ متر اعلام شده است.

**کلید واژه‌ها:** نماز مسافر، قصر نماز، حد ترخص، خفای اذان، خفای جدران.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «موضوع شناسی فقهی حد ترخص» است که در مرکز موضوع شناسی احکام فقهی توسط نویسنده نگارش شده است.

۲. استاد درس خارج حوزه علمیه قم [hasaniran5@yahoo.com](mailto:hasaniran5@yahoo.com)

## مقدمه

یکی از مسائل مهم و پُرکاربرد در باب نماز مسافر حدّترخص است که مقصود از آن عبارت از محدوده‌ای است در اطراف شهر یا روستا و منطقه محل سکونت که با رسیدن به آن مکان، نماز مسافر از تمام به قصر تبدیل می‌شود و روزه را نیز می‌تواند افطار نماید و یا در هنگام برگشت از سفر، وظیفه قصر نماز به تمام تبدیل می‌گردد.

امروزه با توجه به وضعیت اطراف شهرها، گستره‌ی آنها به صورت شهرک، پردیس و همچنین بخش‌های صنعتی الحاق شده به برخی شهرها مسائل مربوط به حدّترخص با چالش‌هایی روبروست.

سؤالاتی از این دست، حدّترخص در هنگام شروع سفر یا تمام شدن سفر دقیقاً از کجا محاسبه می‌شود؟ و معیار محاسبه حدّترخص چیست؟ از مسائل مهم این مبحث است که بررسی فقهی معیارهای شناخت حدّترخص، نحوه‌ی محاسبه و همچنین بررسی ادله فقهی مرتبط به آن را نیازمند است.

این مقاله با توجه به شرایط امروزی درصدد آن است تا موضوع حدّترخص (احکام، اقسام، محدوده و مبدا مسافت شرعی) را که موضوعی عرفی است به دقت بررسی کند و افزون بر تبیین مفهومی آن، شاخص‌هایی ارائه دهد که بتوان مصادیق امروزی آن را تعیین کرد. تعبیر حدّترخص یک تعبیر اصطیادی و اختراعی است و خود این تعبیر در روایات وارد نشده است. بلکه در روایات و کلمات فقیهان همان گونه که بعداً می‌آید، خفای اذان شهر و یا خفای جدران (دیده نشدن دیوارهای شهر) و تواری بیوت (پنهان شدن خانه‌های شهر) به عنوان موضوع بیان شده است. حدّترخص به جهت اهمیتی که در باب نماز و روزه مسافر دارد، مورد ابتلای عموم مکلفان است، ولی با این حال درباره موضوع شناسی آن پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است.

برای محاسبه مسافت شرعی، درباره مکان‌های مذهبی و تاریخی مکان‌هایی همانند عرفات را داریم که در این مکان پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نماز را به صورت قصر خوانده‌اند و به این صورت می‌توان با محاسبه مسافت بین مکه و عرفات مسافت شرعی را به دست آورد؛ اما مکان‌هایی که حدّترخص پیامبر و ائمه علیهم‌السلام باشد و در آنجا نماز را قصر خوانده باشند، در منابع فقهی و تاریخی مطلبی گزارش نشده است تا بتوان از آن در تعیین نقطه حدّترخص استفاده کرد.

درباره حدّترخص، در منابع فقهی از جمله استفتائات مراجع معظم تقلید (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۷؛ بهجت، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۴۱۲؛ تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۲، مکارم شیرازی،

۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸۰) مطالب فراوان و مفیدی ذکر شده است. همچنین این مبحث در لابه لای کتب فقهی به صورت پراکنده در ابواب فقهی یافت می شود. از جمله کتاب های خلاف شیخ طوسی، (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۷۲) ریاض المسائل، حائری طباطبایی، (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۶۷) جواهر الکلام محقق نجفی (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۸۴) و البدر الزاهره آیت الله بروجردی (بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

پایان نامه ها و مقالاتی نیز با موضوع حدّ ترخص نگاشته شده اند از آن جمله:

مقاله «بررسی معنا و مفهوم وطن و کیفیت تحقق آن در مبحث نماز مسافر» از احمد علی قانع، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ مقاله «نماز مسافر و پیشرفت وسایل» نوشته محمد حسین شکل آبادی؛ موجود در سایت راسخون؛ پایان نامه کارشناسی با عنوان «مفهوم و معیار وطن در فقه و حقوق» نگاشته مسعود سعدی کمال آبادی، موجود در دانشکده علوم حدیث؛ پایان نامه «وطن و احکام آن در فقه اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت» موجود در جامعه المصطفی و مقاله علمی پژوهشی «پیرامون حد سفر شرعی» اثر عبدالکریم عبداللّهی، نشریه مطالعات اسلامی شماره ۷۹.

در این مقالات و پایان نامه ها نویسندگان ضمن نقل و نقد و بررسی فتاوی قدیم و جدید و با تکیه بر برخی از روایات صحیح به بررسی وطن و نماز مسافر از منظر قرآن و روایات پرداخته اند. امتیاز این تحقیق در این است که به صورت موضوع شناسانه، تخصصی و جامع به ارائه بحث در خصوص حدّ ترخص می پردازد و حدّ ترخص یکی از موضوعاتی است که به دلیل اهمیت و ویژگی آن در رابطه با احکام نماز و روزه و به جهت روشن شدن ابهامات مختلفی که در این باره مطرح بوده است، این موضوع در اولویت قرار گرفته است.

نکته ای که درباره پیشینه موضوع شناسی حدّ ترخص، شایسته بیان است. تا جایی که بررسی شد، در هیچ یک از منابع فقهی به مقدار حدّ ترخص (جایی که دیگر دیوارهای شهر دیده نمی شود و صدای اذان به گوش نمی رسد) به لحاظ کیلومتر اشاره نشده و محاسبه نگردیده است. این در حالی است که فقها مقدار مسافت شرعی را به فرسخ و کیلومتر تعیین نموده اند؛ و این محاسبه در سال های اخیر، توسط مرکز موضوع شناسی احکام فقهی صورت گرفته و مقدار آن ۱۳۵۰ متر معین شده است که صورت جلسه کیفیت محاسبه آن در پایان این نوشته آمده است. این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و داده های نرم افزارها به گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته و پس از توصیف و گزارش داده ها، در ساختاری منطقی مطالب را تحلیل و بررسی نموده، با روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که «راهکار تشخیص حدّ ترخص از

منظر موضوع‌شناسی چیست؟» البته برای پاسخ به این سؤال لازم است سؤال‌های فرعی دیگری نیز پاسخ داده شود که تحلیل موضوع‌شناسی خفای اذان چگونه است؟ همچنین تحلیل موضوع‌شناسی دیده نشدن دیوارهای شهر چگونه است؟ و مکان حدّ ترخص به لحاظ کیلومتر از نگاه موضوع‌شناسی چه مقدار است؟

### حدّ ترخص در لغت

«حد» در لغت به معنای حائل بین دو چیز آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳). همچنین در برخی از کتب لغت حد به معنی جدا کردن و فاصله انداختن بین دو چیز، مرز بین چند چیز بودن آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۹).

ابن درید گفته است: «حدّ یعنی مرز بین دو چیز (تفاوت بین دو چیز) تا یکی از دیگری تجاوز نکند» (ابن درید، ۱۹۷۸م، ج ۱، ص ۹۵)؛ همچنین حدّ به معنای کناره و انتهای چیزی، حائل بین دو چیز آمده است (زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۷)؛ به فاصله بین دو چیز که مانع اختلاط این دو می‌شود، «حدّ» می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۰؛ جوهری، ۱۴۷۶ق، ج ۲، ص ۴۶۲).

ترخص از ریشه «رَخَصَ»، بر نرم بودن، ضد سختی و ضد گرانی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۰۰). زمخشری در مقدمه الادب آورده: او را در فلان چیز رُخَصْت داد، او را اجازه داد (زمخشری، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۴). حمیری، در معنای ترخیص آورده است: «بعد از نهی به او اذن داد» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۴۶).

در معنای ترخیص و ترخص اذن و اجازه بعد از منع و سختی است. به دلیل سختی‌ای که برای سفر است، به مسافر یک تخفیف در نماز و روزه داده شده است. «تَرَخَصَ لَهُ» یعنی در آن کار اجازه یافت، آسان گرفت، [ترخص] فی کذا: بر آن کار به او اجازه داده شد، [ترخص] فی حقّه: حق خود را تا حدود امکان با تخفیف گرفت (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

**حدّ ترخص در اصطلاح:** مکان مشروعیت یافتن تقصیر در نماز برای مسافر است که نمازهای چهار رکعتی در آن مکان، به دو رکعت تغییر می‌یابد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۴۵)؛ همچنین حدّ ترخص مکانی است که صدای اذان شهر یا روستا در آن مکان شنیده نشود و دیوارهای آن قابل مشاهده نباشد (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶). نتیجه آنکه حدّ ترخص محدوده‌ای از اطراف شهر یا روستا و منطقه محل سکونت است که با رسیدن به آنجا، باید احکام

مخصوصی را درباره نماز و روزه مترتب کرد؛ برای نمونه، اگر کسی تصمیم بگیرد به سفری برود که هشت فرسخ یا بیشتر است، باید از حدّ ترخص به بعد نمازش را شکسته بخواند.

### حدّ ترخص شرط قصر نماز

مسافر باید با تحقق هشت شرط، نمازهای چهار رکعتی را در سفر قصر (شکسته) بخواند؛ یعنی نماز چهار رکعتی به دو رکعت تبدیل می شود و شرط هشتم رسیدن به حدّ ترخص است (ر.ک: یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۱۴)؛ صحت و وجوب روزه نیز با عبور از حدّ ترخص منتفی می گردد. نظر معروف و مشهور بین فقیهان امامیه اینکه وجوب قصر نماز و جواز افطار در روزه از زمانی که نیت سفر کرده، شروع نمی شود، همچنین از حین حرکت از خانه و نیز از حین خروج از وطن شروع نمی شود، بلکه ملاک بعد از خروج از شهر و وطن است و باید به حدّ ترخص برسد و از حدّ ترخص به بعد نماز قصر و روزه باطل می شود (ر.ک: یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۰).

عمده دلیل این حکم، افزون بر اجماع فقیهان (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۸۴؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۹۳) روایاتی است که در اعتبار حدّ ترخص وارد شده اند. با توجه به کثرت روایات در این مقاله، به ذکر دو روایت اکتفا می شود:

#### ۱. صحیحۀ محمد بن مسلم

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن صفوان بن یحیی، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: «الرجل یرید السفر، متى یقصر؟ قال علیه السلام: اذا تَوَازَى مِنَ الْبُیُوتِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۱-۴۷۰)؛ محمد بن مسلم از امام سؤال می کند که مردی می خواهد سفر برود چه وقت نمازش قصر می شود؟ و امام در جواب می فرماید: وقتی از خانه ها پنهان شود. راویان این حدیث، همه ثقه امامی اند و روایت صحیحه است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۷۸).

#### ۲. صحیحۀ عبدالله بن سنان

محمد بن الحسن یاسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن عبدالله بن عامر، عن عبدالرحمن بن ابی نجران، عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله علیه السلام: قال: سألته عن التقصیر. قال: «اذا كنت فی الموضع الذی تسمع فیہ الاذان فأتیم. واذا كنت فی الموضع الذی لا تسمع فیہ الاذان فاقصر. واذا قدیمت من سفرك فمثل ذلك» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۲)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در مکانی هستی که اذان را می شنوی، پس نماز را تمام بخوان و هرگاه در مکانی هستی که اذان را نمی شنوی، پس نماز را قصر بخوان و هرگاه از سفر بازگشتی پس حکم مثل همین است.

اسناد شیخ طوسی به صفار صحیح است (خوبی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۲۱) و همه راویان حدیث نیز ثقه امامی و سند حدیث صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۵۸۳)، مفاد حدیث این است که شرطی برای تقصیر بیان می‌کند: چه در وقت رفتن و چه در وقت برگشتن، داخل شهر نباشی، اگر جایی بودی که اذان شهر را می‌شنوی، نماز را باید تمام بخوانی و اگر اذان را نمی‌شنوی، باید نماز را به قصر بخوانی.

پس از اثبات اشتراط حدّترخص در قصر نماز، باید بینیم میزان در حدّترخص چیست؟ و مقدار آن چقدر است؟ یعنی نقطه حدّترخص که نماز در آن قصر می‌شود را چگونه معین کنیم؟ در روایاتی که بحث توری بیوت و خفای اذان مطرح شده، اولاً نسبت بین این دو علامت چیست؟ ثانیاً آیا این دو علامت، هر دو باید با هم محقق شود؟ یا تحقق یکی از این دو کفایت می‌کند، در فرض کفایت تحقق یکی از این دو علامت و شرط آیا هر دو اصل به شمار می‌روند یا یکی از آنها اصل است و اولویت دارد؟ در این باره چند دیدگاه وجود دارد:

### دیدگاه نخست: موضوعیت داشتن خفای اذان و جدران با هم

مطابق این دیدگاه که در بین متأخرین جایگاه دارد، خفای اذان و جدران هر دو موضوعیت دارد و اجتماع هر دو علامت با هم لازم است. پس تحقق یکی از آنها کفایت نمی‌کند. برخی از معاصرین که بر عروه حاشیه زده‌اند، مثل مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه و مرحوم امام خمینی رحمته الله علیه، بنا بر احتیاط واجب تحقق هر دو شرط را با یکدیگر لازم دانسته‌اند و مرحوم نائینی و آل کاشف الغطا به اعتبار هر دو امر فتوا داده‌اند (ر.ک: یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۰). البته مقصود آنان این است که باید به مقداری از شهر دور شود که دیگر اذان شنیده نشود و دیوارهای آخر شهر نیز دیده نشود.

### دیدگاه دوم: کفایت خفای اذان یا جدران

طبق این دیدگاه که معروف و مشهور در میان قدما و متأخرین است، خفای اذان و جدران هر دو موضوعیت داشته، به این صورت که اگر یکی از این دو امر تحقق داشته باشد، برای قصر نماز کافی است و اجتماع هر دو نشانه با هم لازم نیست. پس اگر صدای اذان شنیده نشود، هر چند که دیوارهای شهر دیده شود، نماز قصر است و اگر دیوارهای شهر دیده نشود، باز نماز قصر است، هر چند که صدای اذان شنیده شود.

سید محمد کاظم یزدی رحمۃ اللہ علیہ این نظر را با اندکی تفاوت برگزیده، می نویسد:

اگر یکی از این دو علامت حاصل شد و علم به عدم علامت دیگر بود، می گوئیم اینجا کافی نیست؛ اما اگر یکی از این دو علامت حاصل شد و به فقدان آن علامت دیگر علم نبود، یعنی نمی دانستیم علامت دیگر حاصل شده یا خیر، در اینجا وجود یک علامت کفایت می کند و نماز قصر است (ر.ک: یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۰).

### دیدگاه سوم: موضوعیت داشتن یک علامت: خفای اذان

در مقابل قول مشهور، قول مهمی از جماعتی از فقها وجود دارد، مبنی بر اعتبار خفای اذان فقط و در این دیدگاه خفای جدران هیچ اعتباری ندارد. این نظر مختار در میان عده ای از علما معتبر است: شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۰) و سلار رحمۃ اللہ علیہ (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۸۹).

برای این نظر می توان چنین استدلال کرد که خفای جدران فقط در صحیحۀ محمد بن مسلم وارد شده و دلالت این روایت بر اعتبار خفای جدران ناتمام است؛ در نتیجه تنها معیار و علامت، خفای اذان خواهد بود. زیرا اگر گفتیم مقتضای جمع بین این دو دلیل این است که هر یک از علامت ها، خفای اذان و جدران برای قصر کافی است، نتیجه این سخن آنکه حدّ واقعی فقط خفای اذان است و چون خفای اذان به صورت معمول قبل از خفای دیوارها محقق می شود، بدون تردید، اذان (بدون استفاده از بلندگو) همیشه زودتر از دیوارها مخفی می شود؛ بلکه اذان با بلندگو نیز زودتر از دیوار مخفی می شود. خفای اذان با دور شدن از وطن در حدود مقداری بیش از یک کیلومتر محقق می شود، ولی خفای دیوارها به حدود دو یا سه کیلومتر مسافت نیاز دارد. پس در اینجا تخییر معنی ندارد و باید معیار فقط خفای اذان باشد و خفای دیوارها اصلاً موضوعیت نداشته باشد، زیرا اگر در مسئله اصولی «تعدد شرط و اتحاد جزاء» نیز قائل شدید که تحقق هر دو شرط لازم است، لازمه اش خفای دیوارهاست که دیرتر محقق می شود تا همیشه حدّ واقعی برای قصر باشد؛ زیرا همیشه خفای دیوارها دیرتر تحقق می یابد و در نتیجه حدّ واقعی برای قصر همین امر خواهد بود (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۸۶)، در حالی که این امر را فقهی ملتزم نشده است. پس بنا بر مبنایی که مطابق با آن برای قصر نماز، تحقق یکی از دو شرط را لازم بدانیم؛ همیشه متعلق است به حدّ واقعی خفای اذان چرا که زودتر تحقق می یابد و اگر مطابق مبنایی دیگر هر دو علامت را برای وجوب قصر لازم بدانیم، حدّ واقعی همیشه باید فقط خفای دیوارها باشد تا دیرتر تحقق یابد؛ بنابراین، ابتنا این مسئله به

مبحث اصولی «تعدد شرط و اتحاد جزا» درست نیست و همچنین تخییر بین تحقق هر یک از دو امر نیز معنی ندارد و فتوای فقها در این مسئله درست نمی شود (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ش، درس ۲۰۹) و باید معیار فقط خفای اذان باشد.

### تحلیل موضوعی خفای جدران و محاسبه مقدار حدّترخص

مطابق با تحقیق میدانی که جمعی از فضلاء حوزه عملیه قم و مشهد آن را انجام داده‌اند؛ معیار جدران، دیوارهای معمولی خانه‌ها در حدود دو متر بوده است و نه دیوارهای ساختمان‌های چند طبقه. در این تحقیق میدانی مشاهده شده است که خفای اذان و جدران تقریباً در یک مقدار مسافت معین اتفاق می افتد و با دور شدن از وطن در حدود ۱۳۵۰ متر، هم اذان و هم دیوارهای وطن مخفی می شود و در نتیجه، این دو علامت با هم برابرند.<sup>۱</sup>

توضیح اینکه در صحیحۀ محمد بن مسلم درباره مکان قصر نماز آمده است: «الرجل یرید السفر، متی یُقَصِّر؟ قال ﷺ: اذا تَوَارَى مِنَ الْبُیُوتِ»؛ یعنی وقتی که انسان از خانه‌ها پنهان شود، گویا در این عبارت بیوت و خانه‌ها انسان را مشاهده می‌کنند و در نتیجه این تعبیر، معنای حقیقی آن مراد نیست، و جوهی در معنای حدیث گفته شده که در ادامه بیان می‌کنیم:

۱. مقصود پنهان شدن اهل خانه‌ها هستند و اضممار اهل، بهتر است؛ یعنی وقتی انسان به قدری دور شود که اهالی بیوت [آخرین خانه‌های شهر] نتوانند او را ببینند، البته لازمه اش آن است که او نیز نتواند اهل بیوت را مشاهده کند؛ زیرا این دو با هم متضایفان هستند و با تحقق یکی دیگری نیز تحقق دارد (ر.ک: میلانی، ۱۳۹۵ ق، ص ۲۳۱).

به تعبیر دیگر موارات دو طرف دارد، وقتی بر یک طرف موارات صدق کرد، بر طرف مقابل هم موارات صدق می‌کند. پس معنای «تَوَارَى مِنَ الْبُیُوتِ»، این است که خانه‌ها از او مخفی شود؛ چون موارات، طرفینی است، هم این طرف بایستی منسوبّ الیه فعل باشد، هم طرف مقابل باید منسوبّ الیه فعل باشد.

اشکال این سخن از سه جهت است، اول: این سخن خلط بین باب مفاعله (موارات) و باب تفاعل (تواری) است. اگر باب مفاعله مدّ نظر باشد، فعل غالباً صادر از طرفین است یا متوقف به وجود طرفین است؛ اما در باب تفاعل این سخن صحیح نیست، مثال روشن آن آیه شریفه قرآن است: «يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ» (نحل، ۵۹)، مطابق با فحوای آیه، این شخص به جهت شنیدن بشارت تولد دختر از قوم متواری می‌شود، نه اینکه قوم هم از او

۱. در پایان مقاله نتیجه این تحقیق میدانی، آمده است.

متواری شوند. پس وقتی در روایت تواری به انسان نسبت داده شود، لازمه اش این نیست که تواری نسبت به بیوت هم داده شود. دوم: اگر مراد از تواری بیوت، تواری اهل بیوت بود، باید و لو در برخی از روایات تواری من الناس را بیان می نمود (خامنه ای، ۱۳۹۵ ش، درس ۲۱۰). سوم: ادعای تضایف صحیح نیست و در وجه بعدی در تضایف مناقشه می شود.

۲. مقصود این است که بیوت و خانه ها از چشم مسافر پنهان شود؛ مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله علیه در این باره می فرماید:

اگر ما مناط را پنهان شدن انسان از بیوت بدانیم، این برای مسافر فایده ندارد؛ چون مسافر که نمی داند چه زمانی از بیوت پنهان شد، بله مسافر متوجه می شود بیوت و خانه ها از او پنهان شده است. و چون این دو امر متضایفان هستند، لازمه پنهان شدن انسان پنهان شدن خانه هاست (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۰، ص ۱۹۳).

لکن ادعای تضایف و تلازم در اینجا صحیح نیست؛ زیرا برای دیده شدن از فاصله دور، اندازه چیزی که مشاهده می شود، بسیار دخالت دارد، ممکن است شیء کوچک از یک فاصله ای دیده نشود، در حالی که از همان فاصله، شیء بزرگ دیده می شود و به جهت تفاوت اندازه شیء مبصر تضایف منتفی می گردد. مسافر و لو با مرکب سواری باشد، یک حجم محدود و کوچکی دارد؛ بر خلاف خانه های یک شهر، پس مسافر وقتی از خانه های شهر دور می شود، در مرحله اول این شخص به دلیل کوچک تر بودن از خانه ها پنهان می شود. ولی خانه ها هنوز برای این شخص قابل مشاهده است. بنابراین، ملازمه و تضایف در این موضوع وجود ندارد (بروجردی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

معنای صحیح جمله «تواری عن البيوت» این است، که مسافر از خانه ها پنهان و مخفی شود؛ لازمه این پنهان شدن این است که مقداری از خانه ها دور شود. تواری از بلد و خانه ها خصوصاً در مواردی که شهر و بلد حصار داشته باشد، به این صورت است که از شهر و بلد بیرون برود و از شهر خارج شود و غایب باشد. وقتی در شهر راه می رود، مشهود شهر و بلد است؛ اما وقتی از بلد خارج می شود، متواری از بلد و مخفی و پنهان از بلد است. در آیه «یتواری من القوم من..» مقصود این است که او از مردم غایب و پنهان می شد، نه اینکه مردم از او پنهان می شدند؛ در اینجا نیز تواری مسافر از بیوت به این است که از بیوت غایب و از محدوده آنها خارج شود.

شاهد واضح بر این سخن، ادامه همین صحیح محمد بن مسلم است که به جای «تواری» از واژه خروج استفاده نموده است: «قال محمد بن مسلم: قلت لأبي عبد الله: الرجل يُريد السفر فيخرج حين تَزول الشمس، فقال ﷺ: إذا خرجت فصل ركعتين»؛ مقصود از رکعتین این است که نماز ظهر

به قصر تبدیل می‌شود. این [مطلب در] ذیل روایت، تفسیر همان [مطلب] صدر روایت است، در صدر جمله «اذا توارى عن البيوت»، آمده بود و فهم محمد بن مسلم نیز خروج از شهر و بلد بود؛ و لذا در ذیل به جای «تواری» خروج از بلد تعبیر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ش، درس ۲۰۶).

### تحلیل موضوعی خفای اذان و محاسبه مقدار حدّ ترخص

مطابق مباحث قبل، به این نتیجه رسیدیم که شرط حکم قصر نماز، فقط خفای اذان است و خفای جدران موضوعیت ندارد. و نیز اگر مقصود از خفای جدران خارج شدن از شهر باشد به گونه‌ای که از مردم غایب شود، خفای دیوارها با خفای اذان تقریباً در یک مکان تحقق می‌یابد و این دو شرط مساوی می‌شوند. همچنین این مطلب ثابت شد که مقصود از خفای اذان، دور شدن از شهر به مقداری است که اگر به فرض اذان گفته شود، این مسافر صدایی را نشنود و خود خفای صدای اذان نیز موضوعیت ندارد؛ زیرا غالباً سفر و خروج مسافر دقیقاً در وقت اذان نیست.

حال برای تعیین این مقدار مسافت آیا اذان خصوصیت دارد؟ یا هر مطلبی که با صوت بلند ادا می‌شود مثل مداحی نیز کفایت می‌کند؟ آیا اذان وسط شهر معیار است؟ و یا اذان آخر شهر معیار است؟ آیا اذان با بلندگو را هم شامل می‌شود؟ آیا اذان با صوت متوسط مورد نظر است؟ آیا مراد، خفای صوت است، یعنی به کلی صدای اذان شنیده نشود؟ یا اگر صدای اذان شنیده شود، لکن فصول اذان متمیز نباشد، کافی است؟

روشن است که خفای اذان موضوعیت ندارد؛ چون غالباً در ساعتی که مسافر از شهر خارج می‌شود، وقت اذان نیست تا مسافر به جهت خفای اذان، حدّ ترخص را متوجه شود و نماز خود را قصر بخواند؛ بلکه معیار دور شدن از شهر به مقداری است که اگر اذان گفته شود، مسافر آن را نشنود، پس معیار در قصر نماز دور شدن از شهر به مقدار مسافتی است که مسافر صدای اذان شهر را نشنود. توضیح این مطلب با نقد و مناقشه در سایر اقوال روشن خواهد شد.

نتیجه اینکه نه خفای اذان برای وجوب قصر نماز موضوعیت دارد و نه خفای جدران؛ بلکه معیار این است که مثلاً مقداری از شهر دور شود و چون در آن زمان دشوار بوده که کیلومتر را معیار قرار دهند، خفای اذان و خفای جدران را که کاشف و مرآت برای این مقدار از دور شدن از وطن است را ذکر نموده‌اند. پس معیار همان دور شدن از وطن به مقدار معین است که هم در خفای اذان و هم در خفای جدران مشترک است. خفای اذان و جدران فقط علامت و دوشرطی‌اند که با هم موضوعیت ندارند تا از قبیل تعدد شرط و وحدت جزا باشند. لذا اگر شخصی در شهر کفار

بود و مؤذن نداشت یا وقت نماز نبود تا مؤذن اذان بگوید و محل سکونت شخص مکانی بدون ساختمان بود یا زلزله همه دیوارها را نابود کرده بود، دور شدن به مقداری که اگر اذانی بود، ولی شنیده نمی شد برای قصر کافی است. در حالی که اگر این دو موضوعیت داشتند، لازمه اش این است که اگر این دو اتفاق نیفتادند، به کلی وجوب قصر منتفی باشد؛ در حالی که این صحیح نیست. پس موضوع واقعی برای قصر نماز عبارت از: «مقداری دور شدن از شهر یا روستا» است. جمعی از فقیهان نیز تصریح نموده اند که اذان و دیوار شهر موضوعیت ندارند (سید اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۵؛ بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۷؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۹۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۲۰)؛ طبق این دیدگاه علما، می توانیم به دنبال تعیین مقدار حدّترخص به کیلومتر باشیم که در ادامه به تحلیل دقیق تر این موضوع می پردازیم.

### ۱. موضوعیت نداشتن خصوص اذان

آیا صرف اذان موضوعیت دارد یا هر صدای دیگری نیز کفایت می کند؛ پس اگر وقت اذان نباشد و صدای اذان شنیده نشود، ولی فردی در شهر مداحی می کند یا با صدای بلند آواز می خواند و صدای او شنیده می شود، آیا صدای او حکم اذان را دارد و در نتیجه از حدّترخص عبور نکرده ایم؟

صاحب جواهر می فرماید: اذان به عنوان مثال برای هر صدای بلندی ذکر شده است و اذان [بودن] خصوصیت ندارد؛ اذان از این جهت ذکر شده است که بلندترین صداهاست و لذا در عرف اذان را کنایه از صوت مرتفع قرار می دهند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۹۵-۲۹۶).

مرحوم آیت الله بروجردی نیز از مجموع ادله، استظهار می کنند که طبق فهم عرف، اذان خصوصیتی ندارد و معیار دور شدن از شهر به مقداری است که اگر اذان گفته شود، صدای مؤذن شنیده نشود و ذکر خصوص اذان در روایات به این دلیل است که آن صدای بلندی که به طور متعارف در همه شهرها وجود دارد، اذان است. پس آنچه مورد نظر شارع است دور شدن از وطن به مقداری است که اگر فردی اذان بگوید، صدای آن شنیده نمی شود و در نتیجه اذان خصوصیتی ندارد و با غیر از اذان فرقی نمی کند (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

نتیجه کلام صاحب جواهر رحمته الله علیه و سید بروجردی رحمته الله علیه این است که معیار در قصر نماز، دور شدن از شهر به مقداری از مسافت است که اگر صوت بلندی مثل اذان گفته شود، این صوت را نتوان شنید.

## ۲. اذان با بلندگو

در بحث قصر نماز معیار شنیده شدن اذان از حنجره یک انسان معمولی است و شنیده شدن اذانی که با بلندگو صدایش شنیده می‌شود، مانع قصر نیست؛ همچنین شنیدن مؤذن با قرار دادن وسیله‌ای در گوش که صداهای دور را استماع کند، مانع قصر نیست، برای این منظور می‌توان به وجوهی استدلال نمود:

الف) همان گونه که قبلاً گذشت ظاهر این است که ملاک در قصر نماز، دور شدن از شهر به مقداری است که صدای اذان یا هر صدای دیگری که بلند باشد، شنیده نشود و خود اذان و شنیدن صدای مؤذن خصوصیت ندارد و فقط معرف و علامت برای محاسبه آن مقدار مسافت است، در نتیجه این مقدار مسافت نمی‌تواند قبل از اختراع بلندگو با بعد از اختراع بلندگو متفاوت شود و معیار قصر همان مقدار مسافتی است که قبل از اختراع بلندگو بوده است و این مقدار بعد مسافت با استفاده از بلندگو تغییر نمی‌کند.

ب) اگرچه ممکن است فردی بگوید ما به اطلاق شنیده شدن اذان، حکم را اخذ می‌کنیم، چون این اطلاق شامل اذان با بلندگو و اذان بدون بلندگو می‌شود؛ این سخن صحیح نیست؛ زیرا اطلاق روایات از اذان با بلندگو انصراف دارد و ناظر به شنیده شدن اذان صادر از حنجره انسان است. البته نکته انصراف اگر همان سخنی باشد که در وجه قبل گذشت که معیار دور شدن از شهر به مقدار معین است، این وجه به همان وجه قبل باز می‌گردد و وجه یا فرع جدیدی شکل نمی‌گیرد و ادعای انصراف نسبت به برخی خطابات صحیح نیست. مثلاً یکی از محرمات نظر به نامحرم است، در این حرام فرقی نیست که نگاه به نامحرم با چشم مسلح و از راه دور انجام شود یا با چشم معمولی و از نزدیک انجام شود و انصراف به نگاه با چشم غیرمسلح ندارد، چون ملاک حرمت این نوع نگاه است، نگاهی که خوف به گناه افتادن زن یا مرد در آن وجود دارد یا خوف شکستن حرمت و حریم زن (ناموس مردم) در آن وجود دارد؛ هر چند با دوربین و یا از راه دور باشد. لکن در محل بحث، متفاهم عرفی این مطلب است که ملاک قصر نماز، خارج شدن از شهر و دور شدن از شهر به مقداری معین است، در نتیجه شنیده شدن اذان به واسطه بلندگو (یا به واسطه قرار دادن وسیله‌ای در گوش که به کمک آن بتواند صداهای دور را بشنود) مانع قصر نیست.

ج) ظاهر روایات این است که ملاک در قصر نماز، شنیدن اذان مؤذن بلد است، یعنی آن ارتعاشات هوا و امواج صوتی که با صدای مؤذن و از حنجره مؤذن به وجود می‌آید؛ این امواج به صورت طبیعی و بدون ابزارآلات دارای یک فرکانس مشخصی است تا شنیده شود.

اما اذان منتشر شده بوسیله بلندگو، به واسطه ارتعاشاتی است که به وسیله بلندگو قدرت می‌یابد و دیگر ارتعاش مستقیم و از صوت خود مؤذن نیست، یعنی تولید و محصول بلندگو است؛ به دلیل اینکه صوت این دستگاه را می‌شود کم و زیاد کرد. اگر همان صدای مؤذن بود، ما نمی‌توانستیم قوت و ضعف بیخشیم. همچنین دستگاه ضبط صوت، این ارتعاش را ضبط می‌کند، اما آنچه پخش می‌کند، نفس آن ارتعاش نیست؛ بلکه ضبط صوت، شبیه آن را ایجاد می‌کند و لذا صدا کم و زیاد می‌شود. پس اذانی که از طریق بلندگو پخش می‌شود مسبب از صدای مؤذن است؛ اما خود صدای مؤذن شهر نیست؛ در حالی که روایات بر صدای مؤذن و اذان مؤذن شهر تصریح دارد. بنابراین، صدای اذانی که از مکتبه (بلنگو) بیاید، برای حدّ ترخص کافی نیست و در اینجا اصل اطلاق معنی ندارد، چون صدای بلندگو صدای خود مؤذن نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۵ش، درس ۲۰۲).

ممکن است ادعا شود که «نشنیدن صوت از شهر» موضوعیت دارد و در زمان‌های مختلف و به دلیل اختراعات مختلف، مقدار حدّ ترخص می‌تواند تغییر کند. شبیه این ادعا در مورد مسافت شرعی بیان شده است. برخی «مقدار حرکت یک روز متعارف کاروانی» را ملاک مسافت شرعی قرار داده و مدعی شده‌اند که در گذشته این مقدار ۴۱ کیلومتر بوده است و اکنون حدود هزار کیلومتر است، چرا که در گذشته سفر کاروانی با شتر انجام می‌شده است و اکنون کاروان‌های متعارف با اتوبوس حرکت می‌کنند و در یک روز در حدود هزار کیلومتر عبور می‌کنند؛ ولی این ادعا قابل قبول نیست. زیرا اول اینکه قبلاً از ادله برداشت کردیم که شنیدن اذان موضوعیت ندارد و معیار دور شدن از شهر به مقداری از مسافت است که اگر صدای اذان می‌بود، شنیده نمی‌شد. دوم اینکه: در برخی روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۵۶) تصریح شده که معیار هشت فرسخ (۴۱ کیلومتر) است و دیگر نمی‌توان گفت معیار «مقدار حرکت یک روز متعارف کاروانی» است؛ حال اگر مسافت شرعی ۴۱ کیلومتر شد که رفت آن ۲۱ کیلومتر است، نمی‌توان گفت «نشنیدن صوت از شهر» (ولو با وسایل اختراعی جدید) معیار باشد؛ زیرا در این صورت باید پس از مسافت شرعی، یعنی پس از ۲۱ کیلومتر هم هنوز نماز تمام باشد و این قابل التزام نیست، زیرا با وسایل جدید مثل تلفن همراه، پس از طی مسافت شرعی، هنوز صدای اهل شهر شنیده می‌شود. پس در هیچ کجای سفر بر روی زمین، نباید نماز قصر شود و همه جا محدوده حدّ ترخص خواهد بود و اگر همه وسایل جدید معیار نباشند، اختصاص به بعضی از وسایل جدید ادعای بدون دلیل خواهد بود.

### ۳. مقصود از خفای اذان شهر

برای ملاحظه مقدار مسافت (به کیلومتر) لازم است بررسی شود که مقصود از خفای اذان شهر چیست؟ تا بتواند معیاری برای تحقق حدّترخص باشد، همین طور منظور از خفای هر صوت بلندی در شهر چیست؟ در اینجا سه نظر مطرح است که هر یک از این دیدگاه‌ها می‌تواند در محاسبه مقدار مسافت به کیلومتر تأثیرگذار باشد.

#### دیدگاه نخست: متمایز نبودن فرازهای اذان

مراد از خفای اذان این است که فرازهای اذان متمیّز نباشد، یعنی صدای اذان را می‌شنوید و می‌فهمید که دارند اذان می‌گویند؛ اما بطور واضح و دقیق نمی‌دانید که کدامین فراز است، «حیّ علی الصلاة» است یا «حیّ علی الفلاح». اگرچه فرازهای اذان متمایز نیستند، اما به همین اندازه، خفای اذان صدق می‌کند، یعنی در نتیجه نماز قصر می‌شود. این وجه مختار از آن صاحب عروه است (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۲).

برای این وجه استدلال شده است از آنجایی که موضوع در روایات مقید است و موضوع عدم سماع صوت اذان است، نه عدم سماع صوت به نحو مطلق؛ در نتیجه ظاهر و متفاهم عرفی این است که اذان در اینجا خصوصیتی دارد، یعنی صوتی که اذان بودن آن مشخص است، شنیده نمی‌شود. پس صوت اذان باید شنیده شود، ولی فصول و فرازهای آن متمایز نباشد تا گفته شود این صوت مقید به قید اذان شنیده نمی‌شود. به این سبب اغلب محشّین عروه، همین نظر صاحب عروه را پذیرفته‌اند (ر.ک: یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۲).

#### دیدگاه دوم: شنیدن صدا و تشخیص ندادن بین اذان و غیر اذان

در جایی که مسافر فقط صدایی می‌شنود و می‌فهمد که صدا از سمت شهر است؛ ولی تشخیص نمی‌دهد که صدای مؤذن است یا صدای دیگری است. این معیار تحقق حدّترخص می‌باشد. این وجه مختار حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه است (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۲)؛ مرحوم حکیم نیز این نظر را انتخاب نموده و می‌گوید: «مقتضای جمود بر ظاهر روایت این است که اذان مخفی شود به طوری که مشخص نباشد اذان است یا غیر اذان» (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۹۶).

#### دیدگاه سوم: نشنیدن هیچ صدایی

مقصود این است که مسافر هیچ صدایی نشنود، حتی صدایی که مردد است صدای اذان یا غیر اذان است؛ پس اگر صدایی به گوش رسید، اما ندانستید که این اذان است یا صدای قرآن،

یعنی هنوز به حدّ ترخص نرسیده‌اید؛ زیرا حدّ ترخص جایی است که هیچ صدایی از شهر شنیده نمی‌شود. این وجه بر طبق این نظر است که گفتیم اذان خصوصیتی ندارد. اگر به جای صوت اذان، صوت قرآن یا صوت دعای ندبه یا آواز یک آوازخوانی هم باشد، مثل صوت اذان است و فرقی نمی‌کند. پس آن چیزی که مورد نظر است، مکانی است که در آن مکان، صوتی از داخل شهر به گوش او نرسد. نه اینکه به خصوص صوت اذان به گوش نرسد. بنابراین، آنچه مناط حدّ ترخص است، دور شدن از شهر به مقداری است که صوت شنیده نشود و اولین نقطه‌ای که صوت را نشنید، آنجا به حدّ ترخص رسیده است. مرحوم صاحب جواهر رحمته الله علیه این وجه را از یکی از بزرگان نقل کرده، می‌فرماید: «وجه قوی». برخی از محشین عروه از جمله آل کاشف الغطا نیز این نظر را انتخاب کرده‌اند (یزدی طباطبائی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۳).

دیدگاه دوم با استدلالی که گذشت، مناسب‌تر است و قائلین بیشتری دارد؛ بر اساس این دیدگاه مقدار مسافت برای حدّ ترخص ۱۳۵۰ متر تعیین شده است.<sup>۱</sup> در پایان نکاتی دارای اهمیت درباره حدّ ترخص ذکر می‌شود.

### ۱. حدّ ترخص در بازگشت از سفر و نحوه محاسبه آن

طبق فتوای مشهور فقیهان (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۹۹) و نیز مستفاد از برخی روایات، وظیفه مسافر در بازگشت از سفر و به‌هنگامی که به حدّ ترخص رسید، این است که نماز را تمام بخواند و حکم قصر با عبور از حدّ ترخص، مشاهده دیوارهای شهر و یا شنیدن اذان تغییر نموده، وظیفه اش تمام خواندن نماز است.

محمد بن الحسن یا سنده عن محمد بن الحسن الصفار، عن عبدالله بن عامر، عن عبدالرحمن بن ابی نجران، عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألتُه عن التقصیر. قال: «إذا كنتَ فی الموضع الذی تسمع فیهِ الأذان فأتمِّمْ و إذا كنتَ فی الموضع الذی لا تسمع فیهِ الأذان فقصِّر و إذا قدِمْتَ من سفرک فمثلُ ذلك» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۲)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه در مکانی هستی که اذان را می‌شنوی، پس نماز را تمام بخوان و هرگاه در مکانی هستی که اذان را نمی‌شنوی، پس نماز را قصر بخوان و هرگاه از سفر بازگشتی، پس حکم مثل همین است».

مرحوم محقق حلی صاحب شرایع و نیز علامه حلی رحمته الله علیه در تحریر الاحکام گفته‌اند که در بازگشت از سفر نماز را شکسته خوانده، تا هنگامی که اذان را بشنود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۲۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۳۸). از سخن ایشان استفاده می‌شود که در بازگشت،

۱. در پایان مقاله، مستندات تحقیق میدانی ضمیمه شده است.

معیار فقط خفای اذان است و توری بیوت معیار نیست. در استدلال بر این سخن گفته شده که روایات از جمله صحیحہ عبد اللہ بن سنان که بالاتر گذشت، در هنگام بازگشت از سفر فقط خفای اذان را مطرح نموده است. البته برخی از معاصرین اعتبار حدّ ترخص در بازگشت از سفر را منکر شده و نماز مسافر تا رسیدن به وطن و داخل شدن در شهر را شکسته دانسته اند (ر.ک: سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۷).

به هر تقدیر معیار در محاسبه خفای اذان در بازگشت از سفر نیز همان است که در شروع سفر گذشت و مقدار آن ۱۳۵ متر است.

## ۲. حدّ ترخص برای بلاد کبیره

بلاد کبیره عبارت از شهرهای بزرگی است که خارج از حدّ متعارفند و طول این شهرها، بیش از مسافت شرعی است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۴۸، مسئله ۴)؛ اینکه «بلاد کبیره» بودن یک شهر در محاسبه مسافت شرعی و همچنین محاسبه حدّ ترخص آن شهر تاثیر دارد یا خیر، اختلاف نظر است؟ مشهور فقیهان معاصر می گویند: «بین بلاد کبیره و صغیره در حدّ ترخص و محاسبه مبدا مسافت شرعی» تفاوتی نیست (خامنه ای، ۱۴۰۰ش، ص ۱۴۶؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۸؛ بهجت، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۴۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۷۵؛ صافی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۷؛ تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷).

البته امام خمینی رحمته اللہ علیہ بین بلاد کبیره خارج از حد متعارف، مثل تهران با دیگر شهرها فرق گذاشته اند. (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۸۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۷) ایشان مبدا محاسبه مسافت شرعی را در شهرهای معمولی که دیوار دارند، دیوار شهر دانسته، و در شهرهایی که آخر شهر دیوار و حصار ندارد، ابتدای مسافت شرعی آخرین خانه هایی اند که در آخر شهر قرار دارند (امام خمینی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۴۸، مسئله ۴) ولی در شهرهایی که به طور خارق العاده بزرگند، چنان که محله های آن مانند روستاهای نزدیک به یکدیگر، از هم جدا باشند، آخر محله مبدا مسافت شرعی است و نیز دور شدن از محله به مقداری که صدای اذان محله را نشوند حدّ ترخص خواهد بود و اگر محله ها به هم پیوسته باشند، محاسبه مشکل است، پس در جایی که اگر از آخر شهر حساب کند، به حد مسافت نمی رسد و اگر از خانه خویش حساب کند، به آن حد می رسد، احتیاط (مستحب) آن است که هم شکسته بخواند و هم تمام، اگرچه بعید نیست که گفته شود: ابتدای مسافت در چنین موردی از منزل او می باشد (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸).

گفته شده است که جمیع علما به جز مرحوم امام رحمته الله علیه با این مسئله مخالفت کرده و فرموده‌اند:

ملاک، صدق سفر است. یعنی از هر جا که عرفاً صدق کند این شخص سفر خود را شروع کرده، مسافت شرعی [نیز] شروع می‌شود. مثلاً به کسی که هنوز از شهر تهران خارج نشده، مسافر گفته نمی‌شود تا اینکه از شهر خارج شود. بنابراین بلاد کبیره و صغیره در این مسئله با همدیگر تفاوتی ندارند و در هر صورت، میزان صدق سفر است و صدق سفر و عنوان مسافر نیز تا زمانی که انسان هنوز در شهر است و از شهر خارج نشده، وجود ندارد (موسوی جزایری، درس خارج فقه ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ ش).

در عصر صدور روایات نیز بلاد کبیره‌ای همچون کوفه وجود داشته و در مورد آنها (بلاد کبیره) در روایات تفصیلی ذکر نشده است و این نشان می‌دهد که بین بلاد کبیره و غیر کبیره فرقی نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۲۶۸؛ شیخ سند، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۴؛ همچنین ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۶۷).

### ۳. حدّ ترخص در سفرهای دریایی و معیار آن

بر اساس اطلاق ادله و وجوب قصر نماز (از جمله اطلاق آیه قرآن و روایات) در وجوب قصر نماز فرقی نیست بین اینکه مسافت زمینی باشد یا دریایی و معیار برای قصر سفر در تمام سفرها، قصد طی کردن مسافت شرعی است، خواه آن مسافت زمینی باشد یا دریایی، بلکه در عصر صدور روایات سفرهای دریایی نیز متعارف بوده است و در عین حال در روایات بین سفر دریایی و زمینی تفصیلی ذکر نشده است.

جمعی از فقیهان نیز تصریح نموده‌اند که بین سفر دریایی و زمینی در قصر نماز تفاوتی وجود ندارد (کبیری، ۱۴۱۶ق، ص ۹۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۲۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵۰).

صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: و نیز در مسافت شرعی فرقی بین سفر زمینی و دریایی نیست، پس هرگاه قصد طی کردن مسافت هشت فرسخ را داشت، نمازش قصر است و اگر در یکی از دو سفر زمینی یا دریایی چند فرسخ برود و در سفر دیگر یک فرسخ یا بیشتر برود و مجموع هشت فرسخ بشود، نماز قصر می‌شود، هیچ خلافتی در این مسئله نیافته‌ام چنانچه در کتاب منتهی الاحکام به عدم خلاف اعتراف کرده است؛ زیرا روایات و فتاوی در این باره اطلاق دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۰۲-۲۰۳).

بر اساس اطلاق کلمات فقیهان و نیز اطلاق ادله که در بالا ذکر شد، حدّترخص در سفرهای دریایی نیز مانند سفرهای زمینی است، به این صورت که هرگاه از شهر به مقداری در سفر دریایی دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و دیوارهای شهر را نبیند، در این صورت نماز قصر است. در برخی از کلمات نیز به عدم فرق در باب حدّترخص تصریح شده است (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ میلانی، ۱۳۹۵ق، ص ۳۷۱).

#### ۴. حدّترخص در سفرهای هوایی و معیار آن

بر اساس اطلاق ادله و وجوب قصر نماز از جمله اطلاق روایات، در وجوب قصر نماز فرقی نیست بین اینکه مسافت بر روی زمین یا سفر هوایی باشد و معیار برای قصر سفر در تمام سفرها، قصد طی کردن مسافت شرعی است، خواه آن مسافت زمینی باشد یا هوایی، هرچند در عصر صدور روایات سفرهای هوایی متعارف نبوده است، لکن متعارف نبودن این گونه سفرها در عصر صدور روایات مانع از تمسک به اطلاق روایات نیست؛ زیرا در روایات معیار را طی کردن مسافت هشت فرسخ دانسته اند.

از بررسی کلمات فقها روشن می شود سفرهای زمینی و فضایی در این جهت تفاوتی ندارند، از این رو امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرموده اند: «اگر شخصی در هواپیمایی سوار شود و چهار فرسخ به طور عمودی به آسمان پرواز نماید، نماز و روزه اش قصر می باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۰ش، ج ۲، ص ۶۳۱، مسئله ۲).

در این خصوص از امام خمینی نیز درباره حدّترخص در سفر هوایی و فضایی استفتایی صورت گرفته است به این صورت که: «سؤال ۲۹۲. حدّترخص در تهران که از بلاد کبیره است، چگونه می باشد؟ و آیا فرقی بین مسیر هوایی و زمینی وجود دارد؟ پاسخ: در تهران حدّترخص نیست و مبدأ مسافت، منزل است و میزان راهی است که سیر می کند» (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱۲).

#### ۵. تمایز موضوعی حدّترخص و مسافت شرعی

حدّترخص با مسافت شرعی تمایز و تفاوت موضوعی دارد. مسافت شرعی هشت فرسخ (۴۱ کیلومتر) است، هرچند این مسافت به صورت رفت و برگشت باشد، البته در این صورت باید مسیر رفت حداقل ۲۰/۵ کیلومتر (بیست کیلومتر و پانصد متر) باشد، مسافت شرعی در روایات با عبارت هایی مثل ۸ فرسخ (حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۶۱)، بیست و چهار میل (حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۵۴)، یک روز راه با شتر و قافله ها (حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۵۱)، دو برید

(حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۵۴)، بیان شده است. که برای محاسبه این مسافت‌ها و تبدیل آن به کیلومتر، گروه عبادات مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی پس از جمع بندی فتاوی مراجع معظم تقلید، با حضور ۱۲ نفر از علما و فضلاء حوزه علمیه قم، با انجام پژوهش کتابخانه‌ای و کار میدانی، میزان مسافت شرعی را «۴۱ کیلومتر» اعلام نموده است.

معیار در حدّترخص محاسبه نقطه‌ای از مسافت است که دیگر مسافر صدای اذان شهر را نمی‌شنود و نیز طبق برخی از فتاوا دیوارهای معمولی شهر به وضوح دیده نمی‌شوند، که به تفصیل در مقاله گذشت. گروه عبادات مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی پس از جمع بندی فتاوی مراجع معظم تقلید، با حضور جمعی از علما و فضلاء حوزه علمیه قم و مشاهد با انجام تحقیق و کار میدانی، مقدار حدّترخص را ۱۳۵۰ متر از آخرین دیوارهای خانه‌های شهر یا روستا اعلام نموده است. این محاسبه و کار میدانی در ساعات مختلف روز از طریق اختبار مکرر صدای اذان و دیدن و ندیدن مسافر و دیوار خانه‌ها انجام شده است.

با توجه به آنچه گذشت مسافر در صورتی که از خانه خود برای سفر خارج شد و قصد مسافت شرعی یا بیشتر از آن را دارد، نماز او در آن شهر و روستا هنوز کامل است و وقتی از شهر یا روستای خود نیز خارج شد، باز هم نماز او کامل می‌باشد تا وقتی که به نقطه حدّترخص برسد؛ در این صورت و از این لحظه به بعد نماز مسافر شکسته و روزه اش افطار می‌شود. پس مسافر زمانی می‌تواند نمازش را شکسته بخواند یا روزه اش را افطار کند که مقدار معینی از مسیر را طی کرده باشد. این مقدار معین «حدّترخص» نامیده شده است. همین معیار هنگام رسیدن به وطن نیز جاری است.

معیار در مبدأ محاسبه مسافت شرعی از نظر فقیهان، آخرین خانه‌های شهر یا روستای فردی است که از آنجا به سفر می‌رود (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۴۸؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۹). از همین نقطه، مسافت شرعی محاسبه می‌شود ولی در حدّترخص معیار این است که مسافر از شهر یا روستا خارج شود و به مقداری دور شود که دیگر دیوارهای شهر را به وضوح نبیند و صدای اذان را نیز نشنود. که این مقدار را همان گونه که قبلاً بیان کردیم معادل با ۱۳۵۰ متر است و مبدأ این مسافت نیز از آخرین خانه‌های شهر یا روستا شروع می‌شود.

## نتیجه‌گیری

و جوب قصر نماز و جواز افطار روزه، از حین نیت سفر شروع نمی‌شود، بلکه باید بعد از خروج از شهر و روستا تا به یک حدّ معینی راه رفت (سفرکرد) که از آن حدّ معین به «حدّ ترخص» تعبیر می‌شود. ویژگی حدّ ترخص خفای اذان شهر و دیده نشدن دیوارهای متعارف شهر است. البته جمعی از فقیهان تصریح نموده‌اند که نه خفای اذان برای قصر نماز موضوعیت دارد و نه خفای جدران؛ بلکه معیار این است که مسافر به مقداری از شهر دور شود که به طور معمول اگر اذانی گفته شود یا دیواری در انتهای شهر باشد، مسافر اذان را نشنود و دیوار را مشاهده نکند. از آنجا که در زمان‌های قدیم محاسبه حدّ ترخص به صورت دقیق (به کیلومتر و فرسخ) برای مردم دشوار بوده است، در نتیجه کیلومتر را معیار قرار نداده‌اند و خفای اذان و خفای جدران را که کاشف و مرآت برای این مقدار از دور شدن از وطن، ذکر نموده‌اند. پس معیار همان دور شدن از وطن به مقدار معین یا حدّ ترخص است که در خفای اذان و نیز در خفای جدران مشترک باشد. در نتیجه اگر شهر کفار بود و مؤذن نداشت یا مسافر ساعتی به سفر رفت که هنگام اذان و نماز نبود تا اذانی گفته شود و یا محل سکونت شخص، جایی بدون ساختمان بود و یا زلزله (حادثه‌ای) تمام دیوارها را ویران کرده بود، دور شدن از مکان به این مقدار معین از مسافت، موجب قصر است. این مقدار از مسافت که نوعاً هم صدای مؤذن شنیده نمی‌شود و هم دیوارهای شهر به طور شفاف دیده نمی‌شود، مطابق تحقیق میدانی و برآورد مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی، تقریباً ۱۳۵ متر است. این مقدار در سفرهای دریایی و هوایی نیز باید رعایت شود.

مشهور و معروف بین فقیهان از قدما و متأخرین موضوعیت داشتن حدّ ترخص در بازگشت از سفر است. همان‌گونه که در هنگام شروع سفر نیز حدّ ترخص معتبر بود. پس وقتی مسافر در بازگشت از سفر به محل حدّ ترخص رسید، نمازش را از آنجا به بعد تمام می‌خواند. به نظر می‌رسد خفای جدران و اذان در وقت ذهاب و بازگشت، اصلاً موضوعیتی ندارد و در این صورت نیز بین شروع سفر و بازگشت از آن اختلافی نیست و معیار دور بودن از شهر و وطن به این مقدار از مسافت است.

از نظر فقیهان معیار در مبدأ محاسبه مسافت شرعی از نظر فقیهان آخرین خانه‌های شهر یا روستای فردی است که از آنجا به سفر می‌رود. از همین نقطه مسافت شرعی محاسبه می‌شود، ولی در حدّ ترخص معیار این است که مسافر از شهر یا روستا خارج شود و به مقداری دور شود که دیگر دیوارهای شهر را به وضوح نبیند و صدای اذان را نیز نشنود.


ضمائم:

۱. صورت جلسه محاسبه حد ترخص به کیلومتر که توسط مرکز موضوع شناسی احکام فقهی انجام شده است:

باسمه تعالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شماره: /  
تاریخ: ۳۰/۰۳/۱۳۹۳ هـ.  
پوسته:

  
مجلس شورای اسلامی

و اذ اصبتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تمشروا من الصلوة ... - نوروز  
عصر روز سه شنبه و صبح روز چهارشنبه بیست و یکم و بیست و دوم فروردین ماه یکم اردیبهشت  
هجری شمسی مصارف با قدم و سقم سببان العظم یکبار در چهارصدوی و چهارهجرتی صحرای  
فصلک حوزه های علمیه قم و مشهد برای تعیین حد ترخص و تطبیق آن به کیلومتر و متر  
خارج شهر مشهد (حاره بخش) رفته و با نظر وقت قنای مراجع عظام فقیهه و هم از طریق  
دیوار و شخص مسافر و شنیدن اذان، مکرراً اختبار و امتحان شد و در نتیجه در فاصله یکصد و هشتاد  
دیوار شهر (خانه های مردم) و شخص مسافر تشخیص داده نمی شد و در کجواز آن تشخیص داده شد  
و ازان هم در فاصله یکصد و هشتاد و یکم از این مقدار شنیده می شد. لذا  
امضا و کشف مان ذیل که در صورت امتحان و اختبار حضور راستند تمهات می دهند که ترخص  
شهر در فاصله در حدود ۳۵۰ متر خواهد بود.

۱- عباس ظهیری	۸- جواد هاشمی
۲- رضا مصاری	۹- سعید ضیائی
۳- سید ابر علی	۱۰- حسن خادم الحنفی
۴- ابراهیم فضل بنیادی	۱۱- سید کام دستانی
۵- محمد حسن فلاح راه	۱۲- محمد علیزاده
۶- صادق کاروان	۱۳- سید حسن زاده
۷- کریم آدین پور	۱۴- ابراهیم محمدی
	۱۵- ابراهیم محمدی

موضوع شناسی فقهی

دو فصلنامه علمی - تخصصی موضوع شناسی فقهی

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۷۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت، بی نا، دارالعلم للملایین.
۲. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۱۵ق)، *صلاة المسافر*، مقرر: سید حسین علوی خوانساری، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، مصحح: احمد فارس، چاپ اول، لبنان، دارالفکر.
۴. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. بحرانی، محمدسند، (۱۴۲۳ق)، *سند العروة الوثقی*، کتاب صلوة المسافر، چاپ اول، قم، انتشارات داوری.
۶. بروجردی، آقا حسین، (۱۴۱۶ق)، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر*، مقرر: حسینعلی منتظری، چاپ سوم، قم، دفتر حضرت آیه الله.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۶ق)، *تبیان الصلاة*، چاپ اول، قم، گنج عرفان للطباعة والنشر.
۸. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ق)، *استفتائات*، قم، دفتر معظم له.
۹. تبریزی، میرزا جواد، (بی تا)، *استفتائات جدید*، قم، دارالصدیقه الطاهره.
۱۰. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، محقق/ مصحح: محققان مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
۱۱. جوهری، اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، *الصحاح*، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۲. حائری، سید علی، (۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل (الحدیثه)*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسایل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۴. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق)، *مستمسک العروة الوثقی*، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۱۵. حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم*، چاپ اول، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۱۶. خامنه ای سید علی، (۱۴۰۰ش)، *اجوبه الاستفتائات*، قم، انتشارات فقه روز.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵ش)، *جزوه درس نماز مسافر*، درس شماره ۲۰۹.
۱۸. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۲ق)، *استفتائات*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰ش)، تحرير الوسيلة، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۲۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محشی)، محقق: سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم.
۲۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰ق)، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرجال، چاپ اول، بی جا، الثقافه الاسلامیه فی العالم.
۲۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخويي، چاپ اول، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخويي عليه السلام.
۲۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، المستند في شرح العروة الوثقى، مقرر: مرتضى بروجردي، چاپ اول، قم، کتابخانه داوری.
۲۵. خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارك، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. ديلمی، سلار، حمزة بن عبد العزيز، (۱۴۰۴ق)، المراسم العلوية و الأحكام النبوية في الفقه الإمامي، چاپ اول، قم، منشورات الحرمين.
۲۷. زبیدی، واسطی، حنفی، محب الدين، سید محمد مرتضى حسینی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/ مصحح: علی شیری، چاپ اول، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲۸. زمخشری، محمود، (۱۳۸۶ش)، چاپ اول، تهران، مقدمة الأدب.
۲۹. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، ضیاء الناظر في أحكام صلاة المسافر، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۳۰. سبزواری، سید عبدالأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار.
۳۱. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، چاپ پنجم، قم، دفتر حضرت آية الله سیستانی.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۳۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید عليه السلام.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۷ق)، جامع الأحكام، چاپ چهارم، قم، انتشارات حضرت معصومه عليها السلام.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. عاملی، عیسی یاسین، (۱۴۱۳ق)، الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، چاپ اول، بیروت، دار البلاغة للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، ابراهیم بهادری، قم، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، قم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، مصحح دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۴۰. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۱. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (بی تا)، مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ اول، قم، منشورات دار الرضی.
۴۲. قطب الدین کیدری، (۱۴۱۶ق)، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محقق/ مصحح: سید هاشم رسولی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۴. محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۴۵. محققان، رضا، (۱۳۹۹ش)، ارتباط انوار ثقلین در تفسیر قرآن، قم، نورالسجاد.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، استفتانات جدید، گردآورنده: ابو القاسم علیان نژادی دامغانی، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۷. موسوی جزایری، (۱۳۹۱ش)، درس خارج فقه نماز مسافر، تاریخ درس ۱۳۹۱/۰۷/۲۲.
۴۸. میلانی، سید محمدهادی، (۱۳۹۵ق)، محاضرات في فقه الإمامية - صلاة المسافر وقاعدتي الصحة واليد، چاپ اول، مشهد، مؤسسه چاپ و نشر مشهد، دانشگاه فردوسی.
۴۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت، چاپ: هفتم، دار إحياء التراث العربي.
۵۰. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشى)، احمد محسنی سبزواری، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

## التشخيص الفقهي لموضوع حدّ الترخّص<sup>١</sup>

رضا محققيان<sup>٢</sup>

### ملخص البحث

تُقصّر الصلاة عند شروع السفر وفقاً لثمانية شروط، والثامن منها هو تجاوز حدّ الترخّص، كما أنّ الصيام يبطل عند تجاوز هذا الحدّ وفقاً لبعض الشروط. و حدّ الترخّص هو الموضوع الذي تتحقق فيه للمسافر مشروعية التقصير في الصلاة، فتتبدّل كلّ صلاة ذات أربع ركعات إلى صلاة ذات ركعتين ابتداءً من ذلك الموضع. حسب الرأي المشهور لدى الفقهاء، يجب على المسافر بعد خروجه من المدينة والقرية أن يسير مسافة حتى يصل إلى حدّ معيّن بحيث يخفى عليه صوت الأذان وتتوارى عنه جدران ذلك البلد. ويرى بعض الفقهاء أن لكلّ من خفاى الأذان وخفاى الجدران مدخلية و موضوعية، ولا بد من تحقّق كلتا العلامتين لقصر الصلاة. الرأي الأفضل الذي صرّح به جماعة من الفقهاء أنّه ليس هناك موضوعية لخفاى الأذان ولا لخفاى الجدران في وجوب قصر الصلاة، بل المعيار هو أن يبتعد المسافر عن المدينة مسافة بحيث لا يُسمع صوت اذان إذا رُفع، ولا يشاهد جداراً إن وُجد. ونظراً إلى أنه لم يكن في الزمان القديم معيار لقياس المسافات على وجه الدقّة، لذلك جعلوا خفاى الأذان وخفاى الجدران كاشفاً ومرآة لهذه المسافة من الابتعاد عن البلد. وفقاً لهذا الرأي لا موضوعية لصوت الأذان لوجوب القصر؛ وذلك لأن السفر وخروج المسافر لا يكون عادة في وقت الأذان، وإنما ذُكر الأذان كمثال للصوت العالي؛ لأن صوت الأذان حينها كان أعلى الأصوات، ولذلك كانوا يجعلون الأذان في العرف كناية عن الصوت العالي. وأما بالنسبة إلى خفاى الجدران فلا موضوعية له أيضاً، وربما هناك مواضع لا جدران فيها. ووفقاً لتخمينات مركز معرفة موضوع الأحكام الفقهي، تبلغ مسافة هذا الموضوع بمقتضى العمل الميداني وحساب جماعة من الفضلاء ١٣٥٠ متر تقريباً.

**الألفاظ المفتاحية:** صلاة المسافر، قصر الصلاة، حدّ الترخّص، خفاى الأذان، جدران البلد.

١. هذه المقالة مستنقاة من مشروع بحث «التشخيص الفقهي لموضوع حدّ الترخّص» الذي دوّنه الكاتب في مركز تشخيص موضوعات الأحكام الفقهيّة.

٢. أستاذ البحث الخارج في حوزة قم العلميّة hasaniran5@yahoo.com.



## Subject Analysis of Ḥadd al-Tarakhkhuṣ<sup>1</sup>

← Reza Mohaqqeqian <sup>2</sup> →

### Abstract

When embarking on a journey, the prayer (*ṣalāh*) becomes shortened (*qaṣr*) under eight conditions, the eighth of which is crossing the *ḥadd al-tarakhkhuṣ* (boundary of exemption). Similarly, fasting is also invalidated upon crossing this limit under certain conditions. The *ḥadd al-tarakhkhuṣ* is the location where the shortening of prayers becomes legally valid for a traveler, meaning that four-unit prayers are reduced to two units. According to the prevalent view among jurists, a traveler must leave the city or village and walk a certain distance until they reach a specific boundary where they can no longer hear the call to prayer (*adhān*) and the city's walls are no longer visible. Some jurists believe that both inaudibility of the *adhān* and invisibility of the city's walls hold intrinsic significance (*mawḍū'iyya*), and thus, both conditions must be simultaneously met for the *qaṣr* prayer. The preferable view, explicitly stated by a group of jurists, is that neither the inaudibility of the *adhān* nor the invisibility of the city walls holds intrinsic significance in determining the obligation of shortened prayer. Rather, the criterion is that a traveler must be sufficiently distanced from the city such that if an *adhān* were to be called or a wall were present, they would neither hear the *adhān* nor see the wall. Since in the past it was not feasible to determine this distance with precise measurements in kilometers, the jurists mentioned the inaudibility of the *adhān* and the invisibility of the city walls as indicators and reflective measures of the required distance from one's homeland. According to this perspective, the sound of the *adhān* itself is not inherently significant in establishing the obligation of *qaṣr*, as most journeys and departures from the city do not coincide with the time of *adhān*. The *adhān* was cited as an example of any loud sound, as it was traditionally the most prominent auditory marker. Thus, in customary language (*urf*), *adhān* is often used metaphorically to indicate any elevated sound. Similarly, the invisibility of walls is not inherently significant, as some locations may lack walls altogether. Based on the assessment of the Center for the Subject Study of Jurisprudential Rulings, field research and calculations conducted by a group of scholars estimate this distance to be approximately 1,350 meters.

**Keywords:** Traveler's Prayer, Shortened Prayer, *Ḥadd al-Tarakhkhuṣ*, Inaudibility of *Adhān*, City Walls.

1. This paper is derived from the research project entitled "Jurisprudential Subject Study of add al-Tarakhkhu," which was written by the author at the Center for the Subject Study of Jurisprudential Rulings.

2. Instructor of Advanced Courses on Jurisprudence and Its Principles at the Seminary of Qom. hasaniran5@yahoo.com